



فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۴۰۲

تأثیرات منفی فردی و اجتماعی حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه از دریچه نگاه منتقدین دادرسی علنی

مرتضی راسته^۱، علی قربانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴

چکیده

مطالعه دیدگاه‌های ارائه شده در رابطه با نظام عدالت علنی، نمایانگر این واقعیت است که به رغم آنکه علنی بودن دادرسی‌ها در موازین بین‌المللی و حقوق داخلی اکثر کشورها، یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های دادرسی منصفانه بوده و به نوعی از مهم‌ترین تضمینات آن محسوب می‌گردد، اما منتقدین برگزاری علنی دادرسی‌ها بر این عقیده‌اند که تأثیرات منفی فردی و اجتماعی حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه نیز متعدد می‌باشد و سبب می‌گردند که همچنان نگرانی‌هایی در خصوص برپایی یک جلسه دادرسی منصفانه وجود داشته باشد. در این راستا، موضوعاتی مانند مخدوش شدن حق دفاع متهم؛ آسیب به حیثیت بزه‌دیدگان برخی جرایم؛ تأثیر منفی بر روی برخی از شهود؛ اثر منفی بر قاضی و تزلزل اقتدار وی؛ محجور ماندن اصل برائت به واسطه پیش‌داوری و برچسب‌زنی؛ و همچنین پایین آمدن شأن نظام عدالت کیفری، به عنوان مبانی نظری لزوم محرومیت مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادگاه مورد توجه منتقدین نظام عدالت علنی قرار گرفته است. این تحقیق با رویکردی توصیفی-تحلیلی و استفاده از روش کتابخانه‌ای، جایگاه هر یک از این موضوعات را از دریچه نگاه منتقدین دادرسی علنی، تشریح می‌نماید.

واژگان کلیدی: دادرسی علنی، تأثیرات منفی، دادرسی منصفانه، مردم و رسانه‌ها، نگاه منتقدین

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

(نویسنده مسئول) morteza.rasteh313@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

مقدمه

اجرای عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی می‌باشد، بدون برقراری محاکمه منصفانه‌ای که در آن، حقوق متهم محترم شمرده شود، فرصت ظهور نخواهد داشت. یکی از مهم‌ترین مصادیق چنین حقوقی، حق حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه به واسطه علنی بودن دادرسی‌ها می‌باشد که از آن به‌عنوان یکی از شاخصه‌های برجسته و بنیادین اصل دادرسی منصفانه یاد می‌شود و قادر خواهد بود در کنار تضمین حقوق متهم، مصلحت و منافع جامعه را نیز تأمین نماید. حامیان حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه معتقدند که این موضوع، هم بر قاضی و هم بر دادستان تأثیرگذار می‌باشد تا آن‌ها وظایفشان را بی‌طرفانه و به‌صورت ماهرانه و تخصصی انجام دهند. این عده بر این عقیده‌اند که دادرسی علنی، حقیقت‌یاب دقیقی را تسهیل می‌کند که شهود را برای گفتن واقعیات تشویق می‌نماید و همچنین یک منفعت عمومی که هم تراز و بلکه فراتر از حقوق متهم است را موجب می‌گردد؛ زیرا عموم مردم حق دارند که بدانند عدالت چگونه اجرا می‌گردد و چه تضمیناتی توسط نظام قضایی اتخاذ می‌شود. نتیجه این امر، ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی جهت اجرای عدالت و پیشگیری از وقوع جرم به واسطه آموزش عمومی و افزایش دانش حقوقی افراد جامعه خواهد بود.

اما در مقابل، مخالفین برگزاری علنی دادرسی‌ها بر این عقیده‌اند که حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه و انتشار جریان محاکمات، می‌تواند دارای معایب جبران‌ناپذیری باشد؛ لذا با ارائه ادله و استدلال‌هایی، با موضوع علنی بودن دادرسی و حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادرسی و انتشار جریان محاکمات، به مخالفت پرداختند. اثر آموزشی علنی بودن دادرسی، با این واقعیت کاهش می‌یابد که افراد جامعه به‌ندرت قاضی یا شاهدان را از نزدیک مشاهده می‌کنند. در عوض، برداشت آن‌ها از یک پرونده، به‌طرز انکارناپذیری وابسته به شیوه‌ای است که توسط رسانه گزارش می‌شود. همچنین گفته شده است که دادرسی علنی می‌تواند دیدگاه قضات را نسبت به مردم و همچنین دیدگاه مردم را نسبت به قاضی شکل دهد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با تبیین نظرات و ادله مخالفین برگزاری علنی جلسات دادرسی، مبانی نظری لزوم محرومیت مردم و رسانه‌ها از حضور در جلسات دادگاه را مورد بررسی قرار خواهد داد.

با توجه به آنچه گذشت، سازمان مقاله به این ترتیب خواهد بود که در دو بخش؛ ابتدا به بیان تأثیرات منفی فردی حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه می‌پردازد و در چهار بند، این آثار را بررسی می‌نماید و در بخش دوم نیز که شامل دو بند می‌باشد، تأثیرات منفی اجتماعی این موضوع را از دریچه نگاه منتقدین دادرسی علنی تبیین می‌نماید.

۱- تأثیرات منفی فردی حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه

در این خصوص، آثار فردی را می‌توان ذیل سه عنوان بررسی نمود: ۱- مخدوش شدن حق دفاع متهم و تعرض به شخصیت وی؛ ۲- آسیب به حیثیت بزه‌دیدگان برخی جرایم؛ ۳- تأثیر منفی بر روی برخی از شهود، ۴- اثر منفی بر قاضی و تزلزل اقتدار وی. در ادامه، به تشریح هر یک از این آثار خواهیم پرداخت.

۱-۱- مخدوش شدن حق دفاع متهم و تعرض به شخصیت وی

علنی بودن دادرسی‌ها ممکن است آرامش و تمرکز متهم را در دفاع از خود برهم زند و به لحاظ روانی، متهم را در محذوریت قرار دهد؛ به گونه‌ای که وی به جهات مختلف از جمله به دلیل احساس شرم یا ترس، نتواند برخی مطالب و دفاعیات را در پیش آنها مطرح کند و در نتیجه آزادی دفاع از وی سلب شود (Stepniak, 2008: 357-368). در واقع، هنگامی که جلسه دادرسی به‌طور علنی و در حضور افرادی به‌عنوان تماشاچی - که کنجکاوانه و پرهیجان منتظر اعلام حکم قاضی هستند - برگزار گردد، متهم با دیدن چنین منظره‌ای، اعتماد به‌نفس خویش را از دست داده و نمی‌تواند با آرامش و خونسردی، در برابر اتهاماتی که به وی منتسب شده است، به‌درستی دفاع نماید. ویکتور هوگو در کتاب «آخرین روز یک محکوم»، لحظه‌ی وارد شدن شخصیت داستان به دادگاه جهت محاکمه را این‌طور توصیف می‌کند: «... سه روز بود که نام من و شرح جنایتی که مرتکب شده بودم، جمع کثیری را به محکمه می‌کشید... هنگامی که وارد سالن تاریک محکمه جنایی شدم، ناگهان متوجه شدم که سر تماشاچیان در انتهای سالن همچون سر مورچگان تکان می‌خورد و نگاه خیره آنها به من دوخته است. من از شدت ترس و اضطراب ناشی از این صحنه، دندان‌هایم برهم می‌خورد و دستم می‌لرزید؛ ساق پایم لرزان و مرتعش بود و مانند باربری که بیش از اندازه بارش کرده باشند، در اولین قدمی که برداشتم، یکه خوردم و نزدیک بود بر زمین بیفتم... جمعی تماشاگر مشتاق که به نیمکت‌های تالار دادگاه هجوم می‌آوردند و همچون کلاغ‌ها که در کمین لاشه‌ای باشند، مترصد محکوم شدن من بودند... این اشخاص مانند اینکه به باغ وحش و به تماشای حیوانات درنده آمده باشند، از دور مرا با تعجب و حیرت نگاه می‌کردند... در دو شب اول دادرسی، به علت وحشت و اضطراب فوق‌العاده‌ای که به من دست داده بود، نتوانستم بخوابم...» (هوگو، ۱۳۶۹: ۸-۱۰).

موضوع مهم دیگری که در دادگاه علنی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و دچار خدشه می‌شود، اعتبار متهم می‌باشد. برگزاری علنی دادرسی‌ها به این دلیل که ممکن است موجب تحقیر افراد گردد و شأن آنان را متزلزل نماید، مغایر اصل کرامت انسانی است (حاجی‌پور کندرود و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۷۴). بر این اساس، هر انسانی از آن حیث که انسان است دارای این کرامت، عزت، شرافت و ارجمندی بوده و چنین کرامتی، ذاتی و غیرقابل سلب است. حرمت و کرامت انسانی، حقی مطلق و خدشه‌ناپذیر است که تجاوز به آن به‌هیچ بهانه‌ای جایز نبوده و این حق، حتی از حق حیات نیز برتر است؛ چرا که حق حیات استثنا‌بردار بوده، اما حق حرمت و کرامت انسان استثنا نمی‌پذیرد و تجاوز به آن در هیچ حالتی روا نیست (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۶). همچنین ادعای مغایرت برگزاری علنی دادرسی با حق بر حریم خصوصی و تراحم آن‌ها با یکدیگر، از ایرادات مطروحه در زمینه مورد بحث است. حریم خصوصی، که یکی از ابعاد کرامت انسانی است را می‌توان محدوده‌ای از اعمال و ویژگی‌های هر شخص دانست که برای عموم آشکار نبوده و یا وی تمایل به افشای آن ندارد. اشخاص، هیچ‌گونه ورود و نظارت دیگران بر این فضا را برنمی‌تابند و نسبت به ورود غیر، واکنش نشان می‌دهند (شهباز قهفرخی و مسعودیان، ۱۳۹۱: ۸۷). بر این اساس، در برخی مواقع حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه منجر به نقض محرمانگی و تعدی به حریم خصوصی و در نتیجه باعث ایجاد لطمه به اعتبار متهم می‌شود. در چنین شرایطی، وی تمایل ندارد محاکمه به‌صورت علنی برگزار شود (Dadwal, 2019).

وقتی متهم وارد یک دادگاه غیرعلنی می‌شود، می‌داند که هر کلمه‌ای که هنگام اظهارنظر، دفاع یا شهادت بیان می‌شود، صرفاً توسط قاضی، دادستان، هیأت منصفه، و کلای مدافع و سایر کنشگران فرایند دادرسی استماع می‌شود. از این رو، با آرامش و آسودگی خاطر می‌تواند از خود دفاع نماید. اما با مردم و رسانه‌ها در دادگاه، قابلیت شناسایی گسترده متهم چندین برابر می‌شود و بدین ترتیب، حریم خصوصی وی به گونه‌ای مورد تهدید قرار می‌گیرد (Lepofsky, 1995: 355). یکی از پژوهشگران معروف در عرصه حقوق عمومی (Nicholls, 2017: 17)، متهم یا مجرم را به یک بیمار تشبیه می‌کند و معتقد است همان‌طور که هدف از نگهداری بیمار در بیمارستان، معالجه و بهتر کردن حال بیمار است؛ به طوری که او دیگر نه برای خود و نه برای دیگران خطری نداشته باشد، متهم یا مجرم را نیز می‌توان همانند یک بیمار توصیف نمود که به دلیل ارتکاب جرم، شخصیت وی بیمار است و نیاز مبرم به درمان دارد. اما با علنی کردن دادرسی و در صورت افشای اطلاعات محرمانه به روشی که عموم مردم را قادر به شناسایی بیمار کند، ممکن است کل فعالیت درمانی به خطر بیفتد. در واقع، ممکن است این افشاگری، بیمار، دکتر، پرستار، بیمارستان و به نوعی تمام سیستم مربوط به درمان را در معرض خطر قرار دهد. بنابراین حق مردم برای دانستن، باید در برابر آسیب احتمالی ناشی از آن، تعدیل گردد.

منتقدان علنی بودن دادرسی، همچنین بر این عقیده‌اند که وکلا در جلسات علنی دادرسی و در حضور عموم مردم و رسانه‌ها، بیش از آن که بر روی دفاع از موکل خود متمرکز باشند، به حواشی توجه نموده و تمرکز خود را به مسائل غیر ضرور معطوف می‌نمایند (Marder, 2013: 22). تجربه رسیدگی به پرونده‌های بزرگ و حساس که نگاه عموم مردم و رسانه‌ها به آن است و منتظر محاکمه حتمی و بی‌چون‌وچرا متهم و اشد مجازات برای وی هستند، نشان می‌دهد که وکلا در بسیاری از مواقع، تحت تأثیر جو احساسی، دست به بیان مطالبی می‌زنند که به مذاق عموم و رسانه‌ها خوش آید؛ بدون اینکه نگران خدشه‌دار شدن انجام وظیفه ذاتی خود باشند. این تأثیرات تا جایی پیش می‌رود که حتی وکیل مدافع متهم که وظیفه ذاتی او دفاع از متهم است، در جلسه علنی محاکمه، همچون یک مدعی‌العموم نطق می‌کند و با تمام قوا در صدد محکوم کردن و مجازات موکل خویش است. به‌طور مثال در یکی از معروف‌ترین پرونده‌هایی که در دهه هفتاد در ایران به صورت علنی مورد رسیدگی قرار گرفت، وکیل متهم دفاعیات خود را این‌طور شروع کرد: «هرچند متهم به‌ظاهر انسان است، اما سیرت و باطن او از هر حیوانی پست‌تر است. حکمت حضور وکیل جلوگیری از مکتوم ماندن حقیقت و رفع ستم به متهم است؛ حال آن‌که در این پرونده، ظلم شدید و ستم اکید به وسیله این جانی بر قربانیان و خانواده‌های آنها رفته و قلب مردم آزرده شده است. اینجانب وکیل متهم نیستم، مدعی‌العموم هستم. چگونه می‌توانم اتهام‌های متهم را نفی کنم حال آن‌که متهم به صراحت در مراجع و رسانه‌ها به گناه خود اعتراف دارد. صدور رأی عادلانه و شایسته برای وی، مورد تقاضا است». وی در پاسخ به این سؤال که چرا از متهم دفاع نکردید، بیان می‌کند: «درست است که متهم در معرض اتهام بود، ولی جرایم او ثابت شده بود و عقلای مردم او را مستوجب ملامت می‌دانستند؛ همان‌طور که در جلسه دادگاه نیز شاهد بودیم، توده مردم او را مستوجب سرزنش می‌دانستند». همچنین در جواب این پرسش که متهم ادعا کرده وی را کتک زده‌اند، چرا در این زمینه از وی دفاع نکردید، بیان کرد: «چون احتمال صدق نمی‌دادم. وکیل باید برای دفاع از هر

ادعایی احتمال صدق بدهد و اگر واقعاً مرتکب جرایم نمی‌شد، زیر شکنجه هم اعتراف نمی‌کرد.^۱ چنین اظهاراتی، نشان می‌دهد که یک وکیل برای مصون ماندن از انگ حمایت از متهم، اصول اولیه دفاع از حقوق متهم را نادیده گرفته است. این در حالی است که وظیفه اصلی وکیل، دفاع از حقوق متهم در فرایند دادرسی می‌باشد؛ فارغ از این که متهم سرانجام محکوم شده یا تبرئه گردد (فرجیها و مقدسی ۱۳۹۰: ۱۲۸).

۲-۱- آسیب به حیثیت بزه‌دیدگان برخی جرایم

یکی از ایرادات مهمی که در زمینه حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه و انتشار جریان رسیدگی بیان گردیده است، آسیب به حیثیت بزه‌دیدگان -مخصوصاً در برخی جرایم خاص- و فاش شدن اطلاعات و هویت آن‌ها می‌باشد. ماهیت برخی از جرایم طوری است که ممکن است حتی شخص بزه‌دیده را نیز در دیده عموم مردم بی‌آبرو کند و یا جان آن‌ها را به خطر بیندازد. بنابراین، رسیدگی به چنین جرایمی در دادگاه، به دلیل ارتباط مستقیم با مسائل مربوط به حیثیت و امنیت بزه‌دیدگان، از حساسیت زیادی برخوردارند. دعاوی راجع به امور زناشویی و خانوادگی نظیر دعوای ترک انفاق، و همچنین دعاوی راجع به جرایم و روابط جنسی از مهم‌ترین دعاوی حساس از نظر حریم خصوصی محسوب می‌شوند. جایگاه آسیب‌پذیر قربانیان جنسی، به خصوص کودکان، به عنوان اشخاصی که بدون داشتن رضایت واقعی و میل باطنی، تحت ارتکاب یک رفتار آسیب‌زا با انگیزه‌های جنسی قرار گرفته و به دنبال آن، متحمل برخی آسیب‌های جسمی و روانی گردیده‌اند، ایشان را در معرض آسیب‌دیدگی مجدد به معنای ورود بعدی طیف گسترده‌ای از صدمه‌های جسمی و لطمه‌های روحی و عاطفی پس از وقوع رفتار آسیب‌زا قرار می‌دهد. منشأ این گونه آسیب‌ها را می‌توان در بستر نگرش غیرحمایتی و در برخی موارد، نگرش منفی اجتماع و همچنین در چهارچوب سیاست‌های نادرست پاسخ‌دهی نظام عدالت کیفری در قبال قربانیان جنسی ملاحظه نمود. بنابراین، برگزاری علنی دادرسی و رسانه‌ای شدن جلسات دادگاه می‌تواند برای بزه‌دیده، که بیشتر تمایل دارد هویت و اطلاعات شخصی آن‌ها از منظر عموم مردم پنهان بماند، دردسرساز شود. از همین رو، قانون‌گذارها در برخی کشورها همواره سعی کرده‌اند قید مخفی ماندن هویت و اطلاعات بزه‌دیده را مدنظر داشته باشند (مرادی حسن آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

طرفداران علنی بودن دادرسی‌ها معتقدند که حضور مردم و رسانه‌ها هیچ‌گونه تعرضی به حیثیت بزه‌دیده وارد نمی‌کند. آن‌ها استدلال می‌کنند که در یک دادگاه، چیزی به عنوان حریم خصوصی وجود ندارد. دادگاه یک مکان عمومی، شفاف و ناب است؛ لذا بزه‌دیده به محض ورود به این مکان عمومی، خواه‌ناخواه آمادگی پذیرش دیده شدن توسط سایر افراد حاضر در دادگاه، و عکس‌برداری و تصویربرداری برای پخش شدن در رسانه‌ها را دارد. اما در مقابل، منتقدان علنی بودن دادرسی‌ها، به این استدلال ایراد وارد می‌کنند و معتقدند چنین دیدگاهی نمی‌تواند تجربه واقعی افراد گرفتار در دادگاه‌ها و گسترش اهمیت حریم خصوصی در قوانین و جامعه را نادیده بگیرد. آبرو و حیثیت به عنوان یک موضوع عملی، یک پدیده «همه یا هیچ چیز» نیست. هنگامی که شخصی به طور کلی در

۱. نک: پایگاه اینترنتی خبرگزاری همشهری آنلاین به نشانی: <https://www.hamshahronline.ir/news/303742> «بازخوانی مشهورترین پرونده جنایی تهران؛ «خفاش شب» پس از ۱۸ سال»، کد خبر: ۳۰۳۷۴۲ - تاریخ خبر: سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۴.

انظار عمومی حضور می‌یابد، به خودی خود حریم خصوصی اش به خطر نمی‌افتد. اما زمانی که به مکان‌های خاص و مهمی وارد شود که ممکن است در آنجا رفتارها و اعمال و عملکرد وی و افراد مرتبط به او زیر ذره‌بین قرار گیرد و بررسی شود، مثلاً به عنوان بزه‌دیده جرایم جنسی وارد دادگاه شود، آنجاست که حفظ حریم خصوصی وی، یک موضوع مهم در حفظ عزت و شخصیت و آبروی او و خانواده‌اش محسوب خواهد شد (Lepofsky, 1995: 355).

علنی بودن دادرسی به واسطه حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه ممکن است باعث سرخوردگی و منصرف شدن بزه‌دیده از گزارش دادن وقوع یک جرم شود (Georgiou, 2017: 23)؛ چرا که آن‌ها نمی‌خواهند خود را در معرض بی‌رحمی بازی‌های رسانه‌ای تلویزیون قرار دهند، و آماج برچسب‌های توهین‌آمیز و لکه‌دار شدن آبرو و حیثیت خود قرار گیرند. بنابراین، بسیاری از جرایم، گزارش نشده و یا بدون تعقیب و پیگرد باقی می‌مانند و خیل‌عظیمی از خلاف‌کارها، محاکمه و مجازات نمی‌شوند. در نتیجه، هم مردم و هم قربانیان جرم، متضرر خواهند شد.^۱ حتی اگر قربانی بخواهد علی‌رغم نگرانی‌های قبلی، بزه‌دیدگی خود را گزارش نماید و در دادگاه شهادت دهد، با وجود علنی شدن دادرسی و حضور مردم و رسانه‌ها در جلسه رسیدگی، غالباً حضور در اتاق دادگاه برای وی بسیار استرس‌آور و از نظر روانشناختی آسیب‌زا می‌باشد؛ به طوری که گفته شده است که مشارکت آن‌ها در سیستم عدالت کیفری، غالباً به عنوان «آسیب ثانویه بزه‌دیدگی» توصیف می‌شود. حضور مردم و رسانه‌ها، این امکان را به دوستان و خانواده متهم می‌دهد تا بتوانند شخص قربانی را بشناسند و اقدامات تلافی‌جویانه را علیه وی انجام دهند. در همین راستا، حضور اصحاب رسانه در دادگاه، باعث می‌شود که حتی اگر افراد وابسته به متهم در زمان شهادت قربانی در دادگاه حضور نداشته باشند، بتوانند از طریق دوربین‌های این رسانه‌ها، قربانی را شناسایی نمایند (Lepofsky, 1995: 355).

در جرایم تروریستی که موضوع آن از اهمیت بالایی برخوردار است و مورد توجه رسانه‌ها می‌باشد، علنی بودن دادرسی می‌تواند امنیت آن‌ها را به خطر بیندازد؛ لذا ممکن است حضور مردم و رسانه‌ها و همچنین رویارویی بزه‌دیدگان این جرایم با مجرمین تروریسم، برای قربانیان ناراحت‌کننده باشد (New South Wales Department of Justice, 2012: 10). با توجه به اینکه بسیاری از اقدامات تروریستی متوجه غیرنظامیان بی‌گناه است، ادامه تهدید قربانیان و بازماندگان اقدامات تروریستی، ممکن است توانایی آن‌ها در شناسایی و شهادت دادن علیه عاملان و همچنین کمک به منظور محکومیت متهمان را تحت‌الشعاع قرار دهد. محافظت از قربانیان اقدامات تروریستی و خانواده‌های آن‌ها در برابر ارعاب و تهدیدها، موضوعی کاربردی است که نهادهای اجرای قانون در حین رسیدگی کیفری با آن روبرو هستند. حق داشتن سطح حفاظتی مناسب و شایسته نیز برای جلوگیری از بزه‌دیدگی بیشتر و اطمینان از نتایج دادرسی کیفری، به‌ویژه در مورد ایمنی و حفاظت از حریم خصوصی آن‌ها، ضروری است. چالش‌های مشابهی در محاکمات مربوط به گروه‌های جنایت‌کار سازمان‌یافته وجود دارد. از این

۱. در ایران، ۸۳/۲۳ درصد از جرایم جنسی گزارش نشده است. مهم‌ترین دلیل برای عدم گزارش بزه‌دیدگی‌های مربوط به جرایم جنسی، حفظ آبرو و شخصیت بزه‌دیده است (نجنفی ابرندآبادی و توجهی، ۱۳۷۸: ۷۱-۸۰).

نظر، قربانیانی که به طور فعال در دادرسی‌های کیفری مشارکت دارند، باید به خاطر سهمشان در افشای حقیقت، مورد محافظت و مراقبت ویژه قرار گیرند (UNODC, 2008: 54).

در مجموع باید گفت که، رسانه‌ها تمایل دارند که دراماتیک‌ترین صحنه‌های دادگاه را انتخاب کنند و بارها و بارها آن‌ها را پخش نمایند. آسیب ثانویه بزه‌دیدگی ناشی از شرکت در روند دادرسی علنی، با تکرارهای متوالی صحنه‌های نمایشی دادگاه در اخبار شبانه، تشدید می‌شود؛ صحنه‌هایی مانند شکستن غرور قربانی و چشمان اشک‌آلود وی. این موارد نه تنها در زمان دادرسی، بلکه سال‌ها پس از آن نیز در قالب مستندهایی که در این زمینه ساخته می‌شود، به نمایش در خواهد آمد. بر این اساس، برای قربانی که ماه‌ها یا سال‌ها پس از دادرسی مجبور شده است آسیب‌های دوگانه بزه‌دیدگی اولیه و بزه‌دیدگی ثانویه را پشت سر بگذارد، تکرارهای پیاپی جلسه دادرسی در تلویزیون می‌تواند جراحات قدیمی را مجدداً تازه کند (Lepofsky, 1995: 354).

۳-۱- تأثیر منفی بر روی برخی از شهود

منتقدین برگزاری علنی دادرسی‌ها بر این عقیده‌اند که حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه، علاوه بر قربانیان، تأثیر منفی بر روی برخی از شهود داشته و امنیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. حساسیت شهادت شهود در دادگاه به اندازه‌ای است که باید در طول فرایند دادرسی، از شهود حمایت شود و شرایط طوری فراهم گردد که شاهد بتواند در یک فضای امن و در آرامش کامل، به ادای شهادت بپردازد. لذا اگرچه ممکن است گفته شود که یک دادگاه علنی تا حدی تمایل شاهد به دروغ را کاهش می‌دهد و کیفیت شهادت را بهبود می‌بخشد، اما این نیز درست است که حضور تماشاگران در اتاق دادگاه ممکن است در برخی موارد، تأثیر سوء بر روی شهود بگذارد و باعث انحراف از مسیر صحیح شهادت گردد (Shapiro, 1951: 785). از آنجا که دادگاه مکانی بسیار بی‌ثبات است، نتیجه یک پرونده به طرز چشمگیری تحت تأثیر رفتار و کلمات خاص پاسخ شاهد به سؤالات قاضی، دادستان و وکیل طرف مقابل قرار می‌گیرد. کوچک‌ترین مکث بین پرسش و پاسخ، تغییر لحظه‌ای حالت چهره و مواردی از این دست، می‌تواند در ارزیابی قاضی از اعتبار یک شاهد تأثیر بگذارد. عملکرد کلی شاهد در هنگام شهادت، نتیجه تلاقی فشارها و اضطراب‌های مرتبط با روند شهادت است. این مهم نیست که شاهد قبل از شروع رسیدگی در دادگاه، چند بار متن شهادت خود را با مشاور مرور کند، بلکه عملکرد وی در جایگاه شهود و در هنگام شهادت، می‌تواند غافلگیرانه باشد. این به نوبه خود می‌تواند بر نحوه تلقی قاضی یا هیأت‌منصفه از شاهد هنگام ارائه شهادت تأثیر بگذارد (Lepofsky, 1995: 355).

افشای هویت شهود به واسطه حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه یا افشای مفاد شهادت شهود از سوی رسانه‌ها، ممکن است توالی فاسد زیر را به دنبال داشته باشد:

نخست اینکه امنیت شخصی و سلامت شهود یا خانواده آن‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرد؛ زیرا اشخاصی که از ادای شهادت متضرر شده‌اند ممکن است در صدد انتقام گرفتن از شاهد برآیند و خود وی یا اعضای خانواده‌اش را به قتل برسانند یا مورد ضرب و شتم قرار دهند. این امر به ویژه در برخی پرونده‌ها نظیر پرونده‌های مواد مخدر یا

جرایم سازمان یافته که مخبران اطلاعاتی نقش مهمی در تشکیل پرونده و اثبات اتهام دارند، بسیار اهمیت پیدا می کند. از این رو، دیده شده است که شهود به سبب ترس از آسیب شخصی و به دلیل به خطر افتادن امنیت خویش، از ادای شهادت در دادگاه خودداری می کنند، یا شهادت را با کم و کیف خاص ادا می نمایند (Shapiro, 1951: 785).

دوم، ممکن است شهادت دادن در برابر تماشاگران و مخاطبان گسترده، باعث خجالت برخی شهود، به خصوص در جرایم جنسی شود. بنابراین در این حالت، شهود کم رو و درون گرا ممکن است ترجیح دهند که یا اصلاً برای ادای شهادت در یک جلسه دادرسی علنی، قدم پیش نگذارند، و یا پشت درهای بسته شهادت دهند (Georgiou, 2017: 23).

سوم، باید پذیرفت که محاکمات علنی به دلیل حضور مردم و مهم تر حضور رسانه های گروهی، هیجانی را ایجاد می نماید که حس ماجراجویی برخی شهود را برانگیخته و برای اینکه در روزنامه ها و یا صداوسیما نمایش داده شوند و از این طریق به شهرت برسند، ممکن است در اظهارات خود به هنگام شهادت، از ادبیات و الفاظ احساسی یا هیجان انگیز استفاده کنند و باعث منحرف شدن دادرسی از مسیر صحیح و منصفانه گردند.

چهارم اینکه قاضی و هیأت منصفه معمولاً عصبی بودن، هیجانی بودن یا بی میلی یک شاهد را به عنوان نشانه احتمالی عدم صداقت یا غیر قابل اعتماد بودن وی تفسیر می کنند، و همین امر سبب می گردد که نسبت به اعتبار شهود و صحت شهادت آنها، دچار تردید شوند؛ حتی اگر عصبی بودن آنها به حضور مردم و رسانه ها نسبت داده شود، نه به شهادت غیر واقعی (Marder, 2012: 21). بنابراین، اگر این برداشت ها بیش از آنکه ناشی از عدم صداقت واقعی باشند، توسط جو حاصل از حضور مردم و رسانه ها ایجاد شده باشد، علنی بودن دادگاه در جهت منحرف شدن روند یافتن واقعیت گام برداشته است و در نتیجه، این امر اجرای صحیح عدالت و حق دادرسی منصفانه را تضعیف می کند (Lepofsky, 1995: 347).

طرفداران علنی بودن دادرسی پیشنهاد می کنند که اگر شاهد بتواند دادگاه را متقاعد کند که نباید از آن ها فیلم برداری یا عکس برداری شود، ابزارهای الکترونیکی و روش های زیادی برای اطمینان از عدم شناسایی بصری آن ها وجود دارد؛ مانند: دور کردن دوربین از چهره شهود هنگام شهادت دادن؛ بزم کردن یا زیر کردن صدای شهود، حذف اسامی شهود از صورت جلسه دادگاه؛ تغییر تصاویر چهره شهود به وسیله فتوشاپ؛ قرار دادن نقطه رنگی روی صورت شهود هنگام شهادت دادن و غیره. اما منتقدین علنی بودن دادرسی استدلال نموده اند که اولاً، علی رغم تلاش دادگاه ها، این روش ها نمی توانند مانع از محرمانه ماندن نام شهود شود. به عنوان مثال، هنگامی که شخص قربانی جرایم جنسی که در اوج ناراحتی روحی به سر می برد، هنگام تشریح اتفاقات و اثبات ادعاهای خود، ممکن است نام یکی از شهود را فریاد بزند. در نتیجه، نام آن شاهد توسط عموم افراد حاضر در جلسه شنیده می شود، و بدتر آنکه به واسطه فیلم برداری و حسب مورد پخش از تلویزیون یا شبکه های مجازی، به طور گسترده پخش گردد. حتی بدون چنین خطایی، ممکن است دوستان و همکاران و اطرافیان شاهد محافظت شده، صدای وی را تشخیص دهند، یا هویت آن ها را از طریق جمع بندی جزئیاتی که از طریق پخش دادرسی در دسترس خواهد بود، بشناسند. همچنین ممکن است شاکیان برخی از پرونده ها، از سوی عموم مردم و رسانه ها برای بیان نام شهود و معرفی وی،

فشار قابل توجهی را احساس کنند و برای خلاص شدن از این فشار، بدون رضایت شاهد، نام وی را علنی کنند. مثلاً در یکی از پرونده‌ها، پس از تبرئه شدن متهم، شاکی در معرض فشارهای زیادی قرار گرفت که نام شاهدی را که علیه متهم شهادت داده بود را در معرض دید عموم قرار دهد. همین موضوع باعث شده بود که حجم‌های زیادی به آن شاهد وارد شود؛ به طوری که مجبور شد از آن شهر مهاجرت نماید (Lepofsky, 1995: 347).

۴-۱- اثر منفی بر قاضی و تزلزل اقتدار وی

منتقدین علنی بودن دادرسی‌ها بر این عقیده‌اند که حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه، به‌عنوان اقدامی نامعقول ممکن است از جهت بی طرف بودن یا بی طرف ماندن قاضی، آثار سوء داشته باشد و باعث ایجاد انحراف و نابسامانی در روند دادرسی و ایجاد تأثیرات منفی در رفتار قاضی دادگاه شود و آن را تبدیل به ابزاری در جهت آسیب رساندن به اجرای عدالت نماید (ناجی‌زواره، ۱۳۸۹: ۲۲۹) و بدین ترتیب، با برگزاری علنی دادرسی‌ها بیم آن می‌رود که فشار افکار عمومی سبب خروج مقامات قضایی از طریق استقلال شود (خالقی، ۱۳۸۸: ۲۰).

نگرانی در مورد تأثیر منفی علنی بودن دادرسی بر قضات، مبنای معقولی دارد. خدمت به‌عنوان قاضی دادگاه حتی در پرونده‌های بسیار ساده و بدون پیچیدگی، به دلیل توجه رسانه‌ها و همچنین حضور مردم در جلسات دادرسی، می‌تواند استرس‌ها و نگرانی‌های خاص خود را داشته باشد. قضات دادگاه از واکنش‌های طبیعی انسان نسبت به انتظار عمومی و حضور دوربین‌های تلویزیونی، مستثنی نیستند؛ بنابراین کاملاً منطقی است که نتیجه بگیریم حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه می‌تواند حداقل تا حدودی بر رفتار برخی قضات تأثیر بگذارد (Lepofsky, 1995: 352 and 353). همچنین حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه، بار اضافی قابل توجهی بر دوش قاضی می‌گذارد. قاضی باید مراقب حفظ نظم و آرامش دادگاه باشد تا از رعایت تمام قوانین اطمینان حاصل نماید و سعی کند از هرگونه تأثیر ناشی از حضور مردم و رسانه‌ها بر تضييع حقوق طرفین دعوی، جلوگیری نماید. متأسفانه قاضی برای انجام مؤثر این وظایف، ممکن است در وضعیت مناسبی قرار نداشته باشد. به عنوان مثال، اگر چشمان قاضی در هنگام یک شهادت حساس و مهم، به شاهد معطوف باشد، ممکن است متوجه نشود که دوربین رسانه‌ها، توجه اعضای هیأت منصفه را به سمت خود جلب می‌کند و حواس آن‌ها را از شهادت شاهد منحرف می‌نماید. به همین ترتیب اگر نگاه و توجه قاضی دادگاه به اعضای هیأت منصفه باشد، ممکن است متوجه و کیل نباشد که قصد دارد از حضور دوربین‌ها برای منافع شخصی و معروف شدن خود سوءاستفاده نماید. همچنین، هنگامی که چشمان قاضی دادگاه در زمان نوشتن یادداشت، به سمت پایین بیفتند، وی در موقعیتی نخواهد بود که بتواند مردم و اصحاب رسانه را مدیریت کند و نظم و آرامش دادگاه را حفظ نماید (Lepofsky, 1995: 352).

البته طرفداران دادرسی علنی ادعا می‌کنند که حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادرسی، هیچ تأثیر منفی بر قاضی دادگاه ندارند. این گروه، به حرفه‌ای بودن قضات استناد می‌کنند و منتقدین علنی بودن را به‌عنوان افرادی که در توانایی‌های قضات شک دارند، قلمداد می‌نمایند. همچنین برخی دیگر از طرفداران علنی بودن دادرسی‌ها با فراتر گذاشته و استدلال کرده‌اند که بر فرض هم اگر قاضی حکم پرونده را تحت تأثیر حضور مردم و رسانه‌ها در جلسه دادرسی، صادر نموده باشد، شخص محکوم همیشه حق درخواست تجدیدنظر در مورد حکم پرونده خود را

دارند. اما منتقدین، این استدلال را به عنوان راه حلی برای مشکلات ناشی از حضور مردم و رسانه‌ها، غیرقابل قبول و مردود می‌دانند. آن‌ها معتقدند که این موضوع به طور ناعادلانه‌ای بار مالی و مسئولیت پرداخت هزینه‌های مربوط به درخواست تجدیدنظر را بر عهده شخص محکوم قرار می‌دهد؛ در صورتی که چه بسا تأثیر منفی دادرسی علنی باعث صدور چنین حکمی شده است. در واقع، این گروه با تمسخر استدلال طرفداران علنی بودن دادرسی، معتقدند با اینکه حضور مردم و رسانه‌ها باعث تأثیر منفی بر قاضی و صدور حکم ناعادلانه از سوی وی شده است، این شخص محکوم است که به عنوان کسی که قربانی این تأثیر منفی شده است، باید به تنهایی بار این خسارتی که از علنی بودن دادرسی به وی وارد شده است را به دوش بکشد و اقدامات لازم را برای اصلاح حکم انجام دهد! از طرفی دیگر، در برخی از موارد، شاهد هجوم رسانه‌ها به قضات هستیم که احکام موردپسند آن‌ها را صادر نکرده‌اند. از این رو، علنی بودن دادرسی و انتشار جریان محاکمه توسط رسانه‌ها، ممکن است به تحریک احساسات عمومی منجر شود و در نتیجه، قاضی نیز تحت تأثیر این احساسات، بی طرفی را فدای جانبداری کند. در واقع، فشار احساسات و افکار عمومی به واسطه تحریک‌های رسانه‌های گروهی، ممکن است دادرسی را در معرض فشار مقامات قضایی یا سیاسی قرار دهد و به استقلال و اقتدار قاضی لطمه وارد آورد (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۸۰).

برخی از نویسندگان (Cavallaro and Brewer, 2008: 793) با انتقادی عجیب و صریح، اظهار نظر نمود که نحوه تصمیم‌گیری و چگونگی صدور احکام در دادگاه‌ها، بر اساس محتوای پرونده‌ها نیست، بلکه مطابق با درجه فشار وارد شده توسط مردم و به‌ویژه توسط رسانه‌ها می‌باشد. بر این اساس، هنگامی که استقلال قضات کم‌رنگ گردد و اقتدار خود را از دست دهند، بی‌شک نفوذ مقامات و نهادهایی که ذی‌صلاح نیستند باعث می‌گردد که قضات رسیدگی‌کننده، در تصمیم‌گیری‌های خود دچار تردید و تزلزل گردند و احکامی صادر نمایند که بر اساس فشار بیرونی، بر آن‌ها تحمیل شده است. پوشش وسیع حکم براءت متهم پرونده‌ای که در رسانه‌ها به «عقرب سیاه» مشهور شده، از جمله این موارد است. بر اساس گزارش رسانه‌ها، «عقرب سیاه» متهم به تجاوز به ۳۰ زن در شهر رباط کریم بود. طبق رأی بدوی، متهم به ۱۰ سال حبس، جزای نقدی و شلاق محکوم شده بود و از اتهام زنا به عفو تبرئه گردید. پس از انتشار حکم در رسانه‌ها، مطبوعات و خبرگزاری‌ها، با عبارات جذاب و تأثیرگذار مانند «بهت و شگفتی همگانی»، «اقدام عجیب دستگاه قضایی»، «از بین رفتن امید اجرای عدالت»، «به خطر افتادن امنیت زنان و خانواده‌ها»، «تعارض عملکرد قوه قضائیه با وعده‌های رئیس قوه»، «عقرب سیاه تبرئه شد؛ قضاوت با شما»، «عقرب سیاه سزاوار رأفت نیست، بلکه سزاوار هزاران بار مرگ است»، تلاش کردند قوه قضائیه به‌ویژه قضات صادرکننده حکم را نکوهش کنند. بازتاب خبری رسانه‌های گروهی، نمایندگان مجلس را نیز وادار به تحرک و موضع‌گیری کرد؛ به گونه‌ای که کمیسیون اجتماعی مجلس در رابطه با این موضوع نشست ویژه‌ای را با مسئولان قضایی برگزار نمود و از بررسی چرایی صدور این حکم، با حضور مسئولان قضایی صحبت به میان آوردند. یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس در مصاحبه‌ای اظهار داشت که مجلس نیز نسبت به صدور حکم تبرئه عقرب

۱. نک: پایگاه اینترنتی خبرگزاری مشرق‌نیوز به نشانی: <https://www.mashreghnews.ir/news/30492> «حکم تبرئه برای متجاوز به ۳۰ زن و دختر جوان»، کد خبر: ۳۰۴۹۲ - تاریخ خبر: شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۹.

سیاه معترض می‌باشد، زیرا وی سزاوار رأفت نمی‌باشد و چنین برخوردی از سوی دستگاه قضایی موجب سوءاستفاده دیگر مجرمان خواهد شد. نایب‌رئیس دوم کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز به به رسانه‌ها گفت که قطعاً در مورد موضوع رسیدگی به پرونده عقرب سیاه که از اتهام تجاوز به عنف تبرئه شده است، اگر مردم یا رسانه‌ها از ما بخواهند که پیگیری کنیم، حتماً موضوع را پیگیری خواهیم کرد. به فاصله اندکی از رسانه‌ای شدن حکم و پس از گذشت فقط دو روز از ورود مجلس به این موضوع، سخنگوی قوه قضائیه در جمع اصحاب رسانه حاضر شد و بیان داشت که رئیس قوه قضائیه شخصاً کل این پرونده را ملاحظه کرده و نسبت به رأی صادر شده معترض می‌باشد، لکن مدعی‌العموم و شکات می‌توانند به رأی صادره از سوی دادگاه اعتراض کنند تا پرونده مراحل بعدی را طی کند. در نهایت، این هجمه‌ها و فشارها باعث گردید که حکم مربوطه از سوی قضات دیوان عالی کشور نقض شود و بدین ترتیب، متهم بار دیگر در شعبه ۷۹ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و تنها ساعتی بعد از محاکمه، به اتفاق آراء، به اعدام محکوم شد.^۳

در مجموع می‌توان گفت که توجه افراطی به دغدغه‌های عموم مردم و رسانه، می‌تواند نظام عدالت کیفری را آسیب‌پذیر ساخته و از فرایند کشف حقیقت و توزیع عادلانه پاسخ‌های کیفری منحرف سازد. ایرادی که به «عوام-گرایی کیفری» وارد می‌شود در اینجا نیز وارد است؛ چرا که حضور دوربین‌ها و ضبط صوت‌های اصحاب رسانه و دیده شدن محاکمات در رسانه‌ها، می‌تواند باعث ارجحیت یافتن دغدغه‌هایی غیر از عدالت و تناسب مجازات‌ها برای قضات گردد. نتیجه این وضعیت می‌تواند ارائه پاسخ‌هایی شدید و نامتناسب نسبت به متهمینی باشد که به هر دلیلی، حساسیت عمومی زیادی نسبت به اتهام آنها ایجاد شده است (مرادی حسن آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

۲- تأثیرات منفی اجتماعی حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه

در این رابطه، آثار منفی اجتماعی را می‌توان ذیل دو عنوان بررسی نمود: ۱- محجور ماندن اصل برائت به واسطه پیش‌داوری و برجسب‌زنی؛ ۲- پایین آمدن شأن نظام عدالت کیفری. در ادامه، به تشریح هر یک از این آثار خواهیم پرداخت.

۱-۲- محجور ماندن اصل برائت به واسطه پیش‌داوری و برجسب‌زنی

در برخی موارد، برگزاری علنی دادرسی‌ها که بیشتر از طریق حضور رسانه‌ها در دادگاه محقق می‌شود، ممکن است منجر به نتایجی شود که با اصل برائت سازگار نیست (Jaconelli, 1997: 172). برخی از منتقدین علنی

۱. نک: پایگاه اینترنتی خبرگزاری تابناک به نشانی: <https://www.tabnak.ir/fa/news/150804> «واکنش مجلس به حکم تبرئه عقرب سیاه»، کد خبر: ۱۵۰۸۰۴ - تاریخ خبر: سه‌شنبه ۸ اسفند ۱۳۸۹.

۲. نک: پایگاه اینترنتی خبرگزاری همشهری آنلاین به نشانی: <https://www.hamshahronline.ir/news/129482> «رئیس قوه قضائیه به تبرئه عقرب سیاه اعتراض کرد»، کد خبر: ۱۲۹۴۸۲ - تاریخ خبر: سه‌شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۸۹.

۳. نک: پایگاه اینترنتی خبرگزاری تابناک به نشانی: <https://www.tabnak.ir/fa/news/260509> «حکم اعدام عقرب سیاه تأیید شد»، کد خبر: ۲۶۰۵۰۹ - تاریخ خبر: چهارشنبه ۴ مرداد ۱۳۹۱.

۴. عوام‌گرایی کیفری رویکردی است که بر اساس آن، مقامات سیاست‌جنایی، با تمرکز بر جلب افکار عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که فاقد مبنای علمی و کارشناسی‌اند، تدوین و اجرا می‌کنند.

بودن دادرسی‌ها معتقدند که پوشش تلویزیونی جلسات علنی دادگاه‌ها، با محدودیت‌های زمانی و گزیدگی صوتی و تصویری، درک ناقص و سطحی از قضیه را به بینندگان می‌دهد؛ در صورتی که امر بر آن‌ها مشتبّه می‌شود که موضوع را به‌طور کامل درک کرده‌اند. به بیان دیگر، پوشش تلویزیونی در جلسات علنی دادرسی، صرفاً شامل بررسی‌های کوتاه و صحنه‌های گلچین‌شده و بعضاً غیر ضرور می‌باشد، و بینندگان تلویزیونی که فقط یک یا دو دقیقه از جلسه دادرسی را می‌بینند، ممکن است احساس کنند که در سالن دادگاه حضور دارند و می‌دانند محتوای پرونده چیست و چگونه باید تصمیم‌گیری شود و با این وجود، درک ناقصی از پرونده در مقایسه با دادگاه دارند. این امر بسیار بی‌معنی می‌باشد و به‌نوعی موجب انحراف افکار عمومی می‌گردد و بدین ترتیب منجر به پیش‌داوری و قضاوت نابجا و غیرمنصفانه جامعه نسبت به پرونده و موضوع دعوا می‌شود (Marder, 2013: 31 and 32). این در حالی است که در این مرحله، اصل برائت مطرح می‌باشد و قرار نیست هویت متهم به‌عنوان شخصی که ادعا می‌شود رفتار مجرمانه‌ای مرتکب شده، به اطلاع عموم برسد. بنابراین باید پذیرفت که، دادرسی علنی در تقابل با اصل برائت، می‌تواند مسئله‌ساز باشد (قربانی، ۱۳۹۰: ۲۲).

نقض اصل برائت توسط رسانه‌ها ممکن است به دو صورت انجام شود؛ یکی ایراد اتهام، و دیگری پیش‌داوری. این دو موضوع ممکن است به‌صورت هم‌زمان یا به‌طور جداگانه اتفاق بیفتند و منجر به محاکمه رسانه‌ای افراد شود. اصل برائت اقتضا می‌کند که تا پیش از قطعی شدن مجرمیت یک شخص، از مجرم نامیدن وی اجتناب شود. کافی است تصور کنیم که دست‌اندرکاران پرونده و به‌ویژه قاضی، به واسطه علنی بودن دادرسی و با رسانه‌ای شدن پرونده و ملاحظه عکس‌العمل عمومی مردم یا مسئولان، خواه‌ناخواه تحت تأثیر قرار گرفته و منشأ روانی این عکس‌العمل، وی را در رسیدگی یا تعیین مجازات عادلانه، تحت تأثیر قرار دهد (ناجی زواره، ۱۳۸۹: ۲۲۹). از این‌رو، رسانه‌ها نباید در اثنای دادرسی و پیش از این که دادرسی به اتمام برسد، پیش‌داوری کنند و شخص مظنون را به‌عنوان یک متهم معرفی نمایند، یا فردی را که هنوز متهم است، به‌عنوان مجرم و محکوم معرفی کنند. این پیش‌داوری باعث می‌گردد به اصل برائت آسیب جدی و جبران‌ناپذیری وارد آید (Lepofsky, 1995: 344-345). به همین دلیل است که گفته‌اند «انتشار تصویر کسی که هنوز دلایل اتهام او بررسی و حکم محکومیت وی صادر و قطعی نشده است و معرفی او به‌عنوان متهم، برخلاف مقتضای اصل برائت بوده و سبب شکل‌گیری فرض مجرمیت او در اذهان افراد جامعه خواهد شد» (خالقی، ۱۳۸۸: ۲۰).

باید توجه داشت که وقتی شخصی به‌طور علنی محاکمه و در نهایت محکوم می‌شود و این فرایند از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع عموم مردم جامعه می‌رسد، جامعه طی این فرایند، شخص را به‌طور رسمی و گسترده مجرم معرفی می‌کند (ولد و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۰۱). به‌عنوان مثال، با مطالعه‌ای که در رابطه با افراد محکوم به مجازات و افرادی که تبرئه شدند صورت گرفته است، این واقعیت روشن شد که پس از بسته شدن پرونده، هم اشخاصی که محکومیت در سجل کیفری آنها ثبت شده و هم کسانی که سجل کیفری آنها پاک است، با کاهش پیشنهادات شغلی و مردود شدن در مصاحبه‌های استخدامی روبرو شده‌اند (Schwartz and Skolnick, 1962: 136). در این صورت ممکن است شخص، تصویر داده شده از سوی جامعه را بپذیرد و بر اساس آن، تصویر شخصی خویش را تغییر دهد و خودپنداره مجرمانه در وی شکل گیرد (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۱۵۱). در این رابطه، تحقیقات

می‌بین آن است که اثرات مخرب پیش‌داوری و برچسب‌زنی در رابطه با کودکان معارض با قانون، بسیار بیشتر از بزرگسالان است و به‌نوعی غیرقابل جبران می‌باشد. به‌عنوان یک رویه مهم، اعتقاد بر این است که مجرمان جوان نباید به‌خاطر یک اشتباه، برای همیشه انگ مجرم بودن بر پیشانی آن‌ها زده شود. دلیل دیگر در برگزاری غیرعلنی دادگاه کودکان و نوجوانان، ارتقای اعاده حیثیت مجرم نوجوان می‌باشد. اصولاً، نوجوانان آمادگی زیادی برای بدنام شدن دارند. تحقیقات جرم‌شناسی درباره عواقب داغ مجرمیت بر نوجوانان، نشان می‌دهد که تعیین هویت این افراد تحت عناوینی چون «بزه‌کار» یا «مجرم» دارای اثرات منفی به‌اشکال گوناگون است. بنابراین برچسب زدن به‌عنوان طفل بزه‌کار نیز بیانگر تقصیر این طفل است که هیچ‌گاه نمی‌تواند به‌موقعیت قبل از بزه‌کاری برگردد، حتی اگر واقعاً اصلاح شده باشد. با توجه به اهمیت و ضرورت دوری از برچسب‌زنی، آسیب رساندن به شخصیت و مجرم شناختن جوانان، باید قوانین و اصولی به‌نفع جوانان وضع گردد که از هرگونه اقدامی که موجب برچسب‌زنی به اطفال و نوجوانان می‌شود، دوری گزید (ابراهیمی و کیانی، ۱۳۸۹: ۶۰).

در مجموع می‌توان گفت که، علنی بودن دادگاه و حضور رسانه‌ها در جلسات دادرسی و پوشش لحظه‌به‌لحظه محاکمات با انتشار مشخصات و هویت متهمان از طریق مطبوعات، تلویزیون، خبرگزاری‌ها و سایر رسانه‌های گروهی، به‌بهانه آگاه‌سازی جامعه، باعث می‌گردد برای مدت‌های طولانی و حتی پس از تحمل محکومیت، اطلاعات مجرم در اختیار مردم قرار داشته باشد و علاوه بر ایجاد مشکلاتی برای خانواده، آشنایان و اشتغال مجرم، بازپذیری اجتماعی وی را مختل ساخته و موجب تأخیر بازپروری خواهند شد. این سازوکارها موجب ایجاد اضطراب، انزوا و تکرار جرم خواهد شد. بزه‌کار نیازمند بازپذیری است و در صورتی که این امر صورت نگیرد احتمال بزه‌کاری مجدد وجود دارد (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰: ۱۲۵ و ۱۲۶).

۲-۲- پایین آمدن شأن نظام عدالت کیفری

حفظ شأن و جایگاه والای نظام عدالت کیفری، بخش مهمی از تلاش دولت‌ها را به خود اختصاص داده است و همیشه سعی بر این بوده که اسباب و مقتضیات حفاظت از این جایگاه، به بهترین شکل فراهم گردد. به همین منظور، رعایت نظم و آرامش جلسات دادرسی، به‌عنوان اساس اولیه و ابتدایی‌ترین الزامات مربوط به محافظت از شأن نظام عدالت کیفری شناخته می‌شود. علنی بودن دادرسی‌ها به واسطه حضور مردم در جلسات دادرسی و استفاده اصحاب رسانه از وسایل ضبط‌صوت یا دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری، تا حدودی مانع نظم و آرامش دادرسی می‌شود و ممکن است روند محاکمه را دچار اختلال نماید. از طرفی دیگر، در یک دادرسی علنی که در کنار طرفین دعوی، سایر افراد از قبیل دوستان و خویشاوندان متهم و شاکی نیز حضور دارند، این احتمال وجود دارد که هر یک از آن‌ها دچار درگیری احساسات گردند و کنترل خود را از دست بدهند و با ایجاد تنش و برخوردهای لفظی و فیزیکی، در روند دادرسی مداخله کنند یا آن‌را دچار اختلال نمایند، و بدین ترتیب باعث برهم خوردن نظم دادرسی شده و تمرکز قاضی را جهت صادر کردن احکامی عادلانه برهم بریزند. به‌عنوان مثال، ابراز رضایت و تأیید یک موضوع به‌صورت واضح و آشکار مانند کف زدن، یا بیان عدم رضایت و تأیید مانند فریاد زدن و هو کردن، یا حتی اقدامات آشکار خشن علیه دادگاه، می‌تواند باعث اختلال در آرامش و برهم خوردن نظم دادگاه شود (Shapiro،

(1951: 785). بر همین اساس، منتقدین برگزاری علنی دادرسی‌ها مدعی‌اند که حضور مردم و همچنین رسانه‌های گروهی همراه با اسباب و ادوات الکترونیکی خود، اتاق دادگاه را به فضای سیرک رسانه‌ای تبدیل می‌کند و جدی بودن موضوع را در دادگاه تضعیف می‌نماید. حتی اگر پیشرفت در فناوری منجر به ایجاد ابزارهای پیشرفته دیجیتالی شده باشد که دیگر به سیم، کابل و فیلمبردار نیازی نباشد، وجود یک دوربین، هر چقدر هم که پیشرفته باشد، باز هم می‌تواند فضای سیرک‌مانندی را برای دادگاه بسازد (Marder, 2013: 25). عده‌ای نیز با فراتر نهاده و معتقدند که، حضور رسانه‌ها در دادگاه و انتشار رسانه‌ای به خصوص پخش تلویزیونی جلسات دادرسی، این پیامد را در پی دارد که جلسات دادگاه در کنار سریال‌های تلویزیونی به مثابه برنامه‌ای که گوشه‌ای از اوقات فراغت مخاطبان را پر می‌کند، مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. در واقع، ادعا این است که شأن و حیثیت دستگاه عدالت، بالاتر از این است که سرگرمی توده‌های مردم شود (Carlisle, 1998: 304). در این زمینه می‌توان به دادگاه رسیدگی به جرایم شهردار اسبق تهران اشاره نمود که در خرداد سال ۱۳۷۷ تمامی هفت جلسه این دادگاه هر شب از تلویزیون ایران و از طریق شبکه دو سیما پخش می‌شد. نکته جالب توجه در این خصوص این است که پخش جلسات این دادگاه علی‌رغم همزمانی با مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ که از شبکه سه سیما پخش می‌شد، مخاطبان بسیاری را پای تلویزیون می‌کشاند؛ به طوری که برخی از مردم به جای دیدن مسابقات جذاب فوتبال جام جهانی، ترجیح می‌دادند محاکمه شهردار تهران که به سان یک سریال کوتاه هیجان‌انگیز از شبکه دو در حال پخش بود را مشاهده نمایند.

به نظر می‌رسد این ایرادها تا حدودی وارد باشد. به همین منظور تا حد امکان باید از پخش جلساتی از دادگاه که از اهمیت عمومی و حساسیت زیادی برخوردار نیست جلوگیری کرد، تا پخش این جلسات به عنوان موضوعی روزمره و عادی برای شهروندان جلوه نکند. به علاوه لازم است قانون‌گذاران تدابیری اتخاذ نمایند تا پوشش رسانه‌ای محاکمات کیفری تنها در جهت اطلاع‌رسانی و افزایش اعتماد عمومی و برای بهره‌برداری در برنامه‌های خبری و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد و از گنجاندن آن در برنامه‌های سرگرم‌کننده خودداری شود (مرادی حسن آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

آن‌طور که پیداست، اصرار بر برگزاری علنی دادرسی‌ها و حضور مردم و رسانه‌ها در اتاق دادگاه، از بی‌اعتمادی به قضات الهام گرفته شده است. زیرا طرفداران دادرسی علنی معتقدند که قضات خوب، از حضور مردم و دوربین رسانه‌ها در اتاق دادرسی ترسی ندارند و فقط قضات بد، باید نگران علنی بودن دادرسی باشند. اما باین حال به نظر می‌رسد که دلایلی همچون برخورداری قضات از تصدی تعرض‌ناپذیر و حمایت قانون از آن‌ها؛ منصوب شدن آن‌ها به جای انتخاب شدن توسط مردم؛ دشواری بررسی اعمال و رفتار قضات دادگاه توسط دادگاه‌های تجدیدنظر -به‌ویژه در مرحله پیش از محاکمه-؛ مقاومت مشکوک قضات در برابر حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادرسی و موارد مشابه، باعث بی‌اعتمادی اساسی به کل نظام عدالت کیفری -نه صرفاً بی‌اعتمادی به برخی قضات- و به وجود آمدن چنین رویکردی در بین منتقدان علنی بودن دادرسی می‌باشد (Marder, 2013: 93). این گروه همچنین استدلال می‌کنند که آیا دوربین‌های موجود در سالن دادگاه و اقدام اصحاب رسانه به ضبط موضوعات تنش‌زا مانند

اعتراض تماشاچیان حاضر در دادگاه نسبت به رفتار و عملکرد قضات، دادستان، هیأت منصفه و سایر کنشگران نظام عدالت کیفری، تصوّر عمومی از عدم اجرای عدالت را ایجاد نمی‌کند؟! اگر این تصوّر عمومی وجود داشته باشد که شهود یک پرونده، به دلیل علنی بودن دادرسی، تمایل کمتری به شهادت دادن دارند، یا اینکه و کلاً با سوء استفاده از حضور دوربین رسانه‌ها، با ماجراجویی و جلب توجه کردن‌های افراطی، مشغول بازار گرمی و جلب مشتری برای شغل خود هستند و حساسیت چندانی برای احقاق حق موکل خود قائل نیستند، اعتماد عمومی به اجرای عدالت می‌تواند از بین برود. به همین ترتیب، اگر این تصوّر وجود داشته باشد که قاضی دادگاه در احکام خود، تحت تأثیر حضور مردم و رسانه‌ها قرار گرفته است یا حواس هیأت منصفه از مسیر اصلی وظایف خود منحرف شده است، یا از طرف اطرافیان متهم تهدید شده باشد و یا تحت تأثیر حضور دوربین‌ها، نظر غیر منصفانه داده است، اعتماد عمومی به روند قضایی را می‌توان تضعیف شده دانست. بر همین اساس، منتقدین معتقدند که این یک ساده لوحی است که علنی بودن دادرسی را دلیل به وجود آمدن اعتماد عمومی به اجرای عدالت بدانیم و آن را در ارتقای عملکرد مؤثر نظام عدالت کیفری حیاتی برشماریم (Lepofsky, 1995: 354). از طرفی، گفته شده است که امر قضاوت مسئله‌ای فنی و حقوقی می‌باشد، و لذا تنها متخصصین امر باید در آن شرکت کنند، در حالی که افراد جامعه عموماً از مسائل قضایی و تکنیک‌های پیچیده و مفصل آن آگاهی ندارند، در نتیجه نمی‌توانند به عمق قضایای حقوقی و قضایی مطرح شده در جلسه دادرسی پی ببرند. این گروه معتقدند که با توجه به عدم آشنایی عموم مردم از قواعد حقوقی و اصول آیین دادرسی، حضور آنها بر پایه و اساس محکمی استوار نبوده، و در عمل مرتب هیچ فایده‌ای نمی‌باشد. و هیچ مدرک مستدلی وجود ندارد که نشان دهد این امر منجر به ایجاد آگاهی عمومی در جامعه نسبت به فرایند دادرسی و نظام قضایی شده است (Lepofsky, 1995: 369).

در مجموع اگر حضور مردم و رسانه‌ها منجر به به وجود آمدن مشکلات فوق‌الذکر شوند، نه تنها حق دادرسی منصفانه متهم، بلکه حق دادرسی منصفانه تمام افراد جامعه را نیز تهدید می‌کند و بدین ترتیب، اجرای صحیح و مؤثر عدالت تضعیف می‌شود و منجر به پایین آمدن شأن نظام عدالت کیفری می‌گردد.

نتیجه

با توجه به دیدگاه‌ها و استدلال‌هایی که در رابطه با آثار منفی فردی و اجتماعی علنی بودن دادرسی به واسطه حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه بیان شده است، به طور کلی می‌توان گفت که این موضوع از نگاه منتقدین برگزاری علنی دادرسی‌ها، بیشتر از اینکه دارای نقاط مثبت باشد، آثار منفی آن چشمگیر می‌باشد و در زمینه اعمال آن، باید با احتیاط عمل کرد؛ چرا که می‌تواند بر ابعاد جامعه‌شناختی و رفتاری اعضای جامعه و نیز افراد درگیر در فرایند دادرسی، آثار ماندگاری داشته باشد. منتقدین برگزاری علنی دادرسی‌ها معتقدند که در صورت حضور مردم و رسانه‌ها در جلسات دادگاه، شاهد مواردی مانند پایین آمدن شأن نظام عدالت کیفری، محجور ماندن اصل برائت به واسطه پیش‌داوری و برچسب‌زنی، اثر منفی بر قاضی و تزلزل اقتدار وی، تأثیر منفی بر روی برخی از شهود، آسیب به حیثیت بزه‌دیدگان برخی جرایم و همچنین مخدوش شدن حق دفاع متهم و تعرض به حریم خصوصی وی خواهیم بود. بر همین اساس، قانون‌گذاران باید از توجه افراطی به این موضوع خودداری کرده و مقررات را به نحوی

تنظیم نمایند که امکان پوشش معقول و به‌دور از سیاست‌زدگی جلسات دادگاه وجود داشته باشد و در صورت ضرورت باید تدابیر مقتضی برای جلوگیری از فاش شدن هویت سایر افرادی که درگیر فرایند امر کیفری می‌شوند نیز صورت پذیرد تا فرایند عدالت مختل نگردد.

باین حال، باید پذیرفت که در عصر حاضر، برگزاری علنی دادرسی‌ها یکی از اصول پذیرفته شده در جهت تحقق اصل دادرسی منصفانه می‌باشد که باید در محاکمات کیفری مورد توجه قرار گیرد. اما از آنجا که علنی بودن دادرسی شامل مجموعه‌ای از اقدامات با اهداف متعدد می‌باشد که به طرق مختلف اعمال می‌گردد و در موقعیت‌های گوناگون ممکن است در تعارض با برخی موضوعات مهم و حیاتی قرار گیرد که هر یک از این موضوعات به نوبه خود، انواع ارزش‌های اساسی دموکراتیک و حاکمیت قانون را شکل می‌دهد، لذا حتی طرفداران دادرسی علنی نیز پذیرفته‌اند که حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه در صورت بروز تعارض با چنین موضوعاتی و به دلایل از قبل تعیین شده و در نتیجه موازنه منافع و ارزش‌های متعارض، می‌تواند با استثنائات و محدودیت‌هایی مواجه گردد.

منابع و مآخذ

فارسی

- ابراهیمی و رکیانی، فاطمه (۱۳۸۹)، **حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون**، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه
- انصاری، باقر (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی»، **پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۱۳، شماره ۳۵.
- حاجی‌پور کندرود، علی و دیگران (۱۳۹۸)، «تأملی در موانع تحقق اصل علنی بودن دادرسی‌ها در حقوق ایران»، **مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۹، شماره ۴
- خالقی، علی (۱۳۸۸)، «تأملی بر انتشار چهره متهم در روزنامه‌ها»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، دوره ۸، شماره ۱۵.
- شهباز قهفرخی، سجاد و مسعودیان، مصطفی (۱۳۹۱)، «حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات»، **پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم**، دوره ۳، شماره ۲.
- فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۰)، «رویکرد عوامگرایی کیفری به جرایم جنسی (مطالعه تطبیقی)»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۱۵، شماره ۲.
- قربانی، علی (۱۳۹۰)، **دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر**، چاپ اول، قم: انتشارات حقوق امروز.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، **حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه**، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ناجی‌زواره، مرتضی (۱۳۸۹)، **دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری**، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۸)، «بزه‌دیده شناسی و مشکلات بزه‌دیدگی‌های گزارش‌نشده»، **مدرس علوم انسانی**، دوره ۳، شماره ۱۳.
- مرادی حسن‌آباد، محسن (۱۳۹۳)، «پوشش تلویزیونی فرایند رسیدگی در دادگاه‌های کیفری»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۷۸، شماره ۸۷.
- ولد، جرج و دیگران (۱۳۹۵)، **جرم شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)**، ترجمه علی شجاعی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- ویلیامز، فرانکلین و مک‌شین، مریلین (۱۳۹۱)، **نظریه‌های جرم شناسی**، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- هوگو، ویکتور، (۱۳۶۹) **آخرین روز یک محکوم و کلود ولگرد**، ترجمه محمد قاضی، چاپ دهم، گیلان: انتشارات هدایت.

انگلیسی

- Carlisle, Jay (1998), "An Open Courtroom: Should Cameras be Permitted in New York State Courts?", **Pace Law Review**, Vol 18, No 2.
- Cavallaro, James Louis and Brewer, Stephanie Erin (2008), "Reevaluating Regional Human Rights Litigation in the Twenty-First Century: The Case of the Inter-American Court", **The American Journal of International Law**, Vol. 102, No 09-31.
- Dadwal, Lalit (2019), "Open Justice and Rule of Law: Indian Scenario", **International Journal of Research and Analytical Reviews**, Vol 6, No 1.
- Georgiou, Lamprini (2017), **Social Media and Open Trial: An Emerging Conict or an Opportunity?**, dissertation for a Master, The University of Edinburgh.
- Jaconelli, Joseph (1997), "Right Theories and public trial", **Journal of Applied Philosophy**, Vol 14, No 2.
- Jaconelli, Joseph (2002), **Open Justice: A Critique of the Public Trial**, Oxford: Oxford University Press.
- Lepofsky, David (1995), "Cameras in the Courtroom — Not Without My Consent", **National Journal of Constitutional Law**, Vol 6, No 1.
- Marder, Nancy (2013), "The Conundrum of Cameras in the Courtroom", **Arizona State Law Journal**, Vol 44, No 6.
- New South Wales Department of Justice (2012), **Supporting victims and witnesses of crime through the court**, process, Justice Journey court preparation guide, Victims Services.
- Nicholls, Jesse (2017), "Open justice and developments in the law on anonymity; access to material on the court file and reporting restrictions", **Doughty Street Chambers**, Vol 23, No 3.
- Schwartz, Richard and Skolnick, Jerome (1962), "Two studies of legal stigma", **Social Problems**, Vol 10, No 2.
- Shapiro, Harold (1951), "Right to a Public Trial", **Journal of Criminal Law and Criminology**, Vol 41, No 6.

- Stepniak, Daniel (2008), **Audio-Visual Coverage of Courts**, Cambridge: Cambridge University Press.
- UNODC: United Nations Office on Drugs RUGS and Crime (2008), **The Criminal Justice Response to Support Victims of Acts of Terrorism**, Publishing and Library Section United Nations Office at Vienn.

Individual and social negative effects of presence public and media in court hearings from critics' view of public trial

Abstract

Study of views presented in relation to public justice system shows fact that despite the fact that the publicity of the trial in international standards and the domestic laws of most countries it is one of the most basic components of fair proceedings and in a way one of the most important guarantees It is considered, but critics of public trials are opinion that Individual and social negative effects of presence of people and media in the court are also numerous and cause that there are still concerns regarding establishment of a fair hearing. In this regard, topics such as distortion of accused's defence right; Damage to dignity of victims certain crimes; Negative impact on some intuition; Negative effect on judge and weakening of his authority; Denying the principle of innocence due to prejudice and labeling; and also, Degradation of the criminal justice system, As a theoretical basis need to exclude people and media from attending court hearings has attracted attention of critics of the public justice system. This research, with a descriptive-analytical approach and use of library method, describes the position each of these issues from the perspective of critics of public trial.

Keywords: Public trial, Negative effects, Fair proceedings, People and media, Critics' view